

دلایل گسترش روسپیگری در جامعه اصفهان عصر صفوی و سیاست شاه عباس اول در مدیریت آن

نوع مقاله: پژوهشی

فاطمه شه کلاهی^۱ / رضا افهمی^۲ / مهدی کشاورز افشار^۳

چکیده

روسپیگری در جامعه ایران همواره پدیده‌ای مذموم و ناهنجار بوده است. براساس اطلاعات تاریخی، در دوره شاه عباس اول (حک ۹۹۶-۱۰۲۸ ق/ ۱۵۷۸-۱۶۲۹ م) این پدیده اجتماعی در اصفهان (پایتخت) رشد و گسترش می‌یابد. هدف این مقاله مطالعه وضعیت و دلایل رواج روسپیگری در این دوره و تبیین سیاست مدیریتی شاه عباس در مواجهه با آن است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و مبتنی بر جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد قبح این پدیده در این دوره از بین رفت و سه عامل «رشد و توسعه جامعه شهرنشینی و تنوع جمعیتی-فرهنگی در اصفهان»، «افزایش ثروت رجال درباری»، و «مهاجرت اجباری زنان قفقازی به اصفهان» باعث گسترش آن در جامعه شد. شاه عباس به جای منع شرعی و قانونی روسپیگری، دو سیاست در پیش گرفت: اخذ مالیات از روسپیان-به‌عنوان خرده‌فرهنگ انحرافی یا معارض- و صرف پول حاصل از آن در مراسم آتش و آتش‌بازی. این اقدامات با پیشینه دینی ایرانیان و شرع اسلام سنخیتی نداشت، اما شاه عباس در سایه قدرت بلامنازع سیاسی، مذهبی و اجتماعی‌اش موفق به اجرای آن شد. واژگان کلیدی: عصر صفویه، شاه عباس اول، اصفهان، روسپیگری، آتش و آتش‌بازی.

Reasons for the Spread of Prostitution in the Safavid Isfahan and the Policy of Shah Abbas I for Its Regulation

Fatemeh Shahkolahi⁴/Reza Afhami⁵/Mahdi Keshavarz Afshar⁶

Abstract

Prostitution has always been considered a reprehensible phenomenon in Iranian society. According to historical information, this social phenomenon grew and spread in Isfahan (the capital) during the reign of Shah Abbas I (1038-996 AH/1578-1629 AD). This article aims to investigate the conditions and reasons for the prevalence of prostitution in this period and its handling by Shah Abbas, with a descriptive-analytical method based on interpretive historical sociology and archival data collection. According to our findings, in this period, prostitution gradually lost its social impropriety. Furthermore, three factors caused the spread of prostitution: "development of urban society and demographic-cultural diversity in Isfahan", "increasing wealth among courtiers", and "forced migration of Caucasian women to Isfahan". Instead of imposing a legal ban on prostitution, Shah Abbas pursued a policy of taxing prostitutes -as a perverted subculture- and spending the proceeds on fire and fireworks. Although these actions were not consonant with the religious background of Iranian and Islamic law, Shah Abbas was able to pursue it through his undisputed political, religious, and social power.

Keywords: Safavid period, Shah Abbas I, Isfahan, Prostitution, Fire and fireworks..

۱. دکتری پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول). مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری خانم فاطمه شه کلاهی با عنوان «واکوی پیکره زن در تک‌برگی‌های مکتب اصفهان» می‌باشد. *تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۵/۵ *تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۷/۱۸

۲. دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

4. PhD. in Art Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Shahkolahi.f@yahoo.com
5. Associate Professor, Department of Art Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. afhami@modares.ac.ir
6. Assistant Professor, Department of Art Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
m.afshar@modares.ac.ir

مقدمه

روسپیگری پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی است که همانند پدیده‌های دیگر، در طول تاریخ تحولاتی را از سر گذرانده و در مناطق مختلف رفتارهای متفاوتی با آن شده است. به لحاظ تاریخی، روسپیگری در جامعه و فرهنگ ایران پدیده‌ای ناهنجار و مذموم است و در زمره انحرافات اخلاقی قرار می‌گیرد. به‌ویژه بعد از استقرار دولت شیعی-مذهب صفویه، دیدگاه‌ها و عملکردهای متفاوتی برای مدیریت یا رفع آن در جامعه اعمال شد. براساس اطلاعات تاریخی که از دوره شاه عباس اول موجود است، این پدیده در اصفهان (پایتخت) رشد می‌یابد و با توجه به جامعه سنتی ایران نوعی قبح‌شکنی از این رفتار در جامعه صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد شاه عباس براساس نگرش شخصی و اهداف سودگرایانه خود این معضل اجتماعی را به گونه جدیدی مدیریت می‌کند و درصدد کنترل آن برمی‌آید. در واقع شیوه عملکرد او بیشتر براساس منافع اقتصادی و شخصی بوده است، نه براساس موازین شرعی.

هدف از این مطالعه بررسی دلایل گسترش پدیده روسپیگری در جامعه اصفهان عصر صفوی و چگونگی مواجهه شاه عباس اول با آن است. سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. دلایل گسترش پدیده روسپیگری در جامعه اصفهان عصر صفوی چیست؟ ۲. شاه عباس برای مدیریت این معضل اجتماعی چه سیاستی در پیش گرفت؟ این پدیده به دلیل ناپسند بودن آن در جامعه همواره در تاریخ ایران واپس رانده شده است، ولی می‌بایست آن را به‌عنوان یکی از جریان‌های تاریخی-اجتماعی به‌خصوص در دوره شاه عباس پذیرفت.

روسپیگری پدیده‌ای چندبُعدی است و می‌توان آن را از جوانب مختلفی واکاوید. در این مطالعه روسپیگری به‌عنوان یک انحراف اخلاقی-اجتماعی در اصفهان عصر صفوی، و به‌عنوان یک تغییر نگرش مدیریتی-اقتصادی در حکومت شاه عباس در نظر گرفته شده است. برای این منظور، سعی می‌شود براساس منابع تاریخی، و غالباً سفرنامه سیاحان خارجی، دلایل رواج این پدیده و وضعیت اجتماعی زنان روسپی در جامعه اصفهان در دوره شاه عباس نشان داده شود. سپس با تکیه بر شواهد و داده‌های تاریخی، سیاست مدیریتی شاه عباس در مواجهه با این پدیده اجتماعی تبیین گردد.

در مورد وضعیت زن در عصر صفوی تاکنون مطالعات نسبتاً خوبی انجام شده است. شاخص‌ترین آنها چهار کتاب زیر است: ضعیفه^۱، زن در عصر صفوی^۲، زن در تاریخ‌نگاری صفویه^۳، و وضعیت زنان در عصر

۱. بنفشه حجازی، ضعیفه: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی (تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۱).

۲. مهرداد نوری‌مجبری، زن در عصر صفوی (تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۸).

۳. عباسقلی غفاری فرد، زن در تاریخ‌نگاری صفویه (تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۸).

صفوی^۱. در این مطالعات زن به معنای عام آن مورد نظر است که عمدتاً شامل دو دسته از زنان می‌شود: یکی، زن اشرافی و درباری که عموماً به تفریح و خوش‌گذرانی دسته‌جمعی مشغول است و به‌ندرت بسته به موقعیت و جایگاهش به فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی می‌پردازد. دیگری، زن روستایی از طبقه پایین جامعه که علاوه بر خانه‌داری (آشپزی، نظافت، بچه‌داری) فعالیت‌های مولد خانگی (بافندگی و خیاطی و...) نیز می‌کند.

البته در برخی از مطالعات به نقش بعضی از زنان خاص این دوره توجه شده است، مانند کتاب *زنان تاریخ‌ساز دربار صفوی*^۲ یا مقالات «بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه»^۳ و «آموزش زنان در دوره صفویه»^۴ که به فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری زنان این دوره پرداخته‌اند، زانی که اغلب از خانواده روحانیون یا خانواده‌های سرشناس و اهل علم آن زمان بودند. همچنین با توجه به رواج فرهنگ وقف در دوره صفوی، مقاله «تأملاتی بر نقش زنان در گسترش موقوفات عصر صفوی»^۵ تأثیر زنان واقف را در این دوره شناسایی کرده است.

اما با توجه به محدودیت‌های عرفی و شرعی، پژوهشگران کمتر به بررسی شرایط انضمامی روسپیان در جامعه عصر صفوی پرداخته‌اند. مقاله «تبیین رویکرد جامعه و علل رواج روسپیگری زنان»^۶ از معدود مطالعات انجام‌شده در این زمینه است که پس از بررسی حیات اجتماعی روسپیان در عصر صفوی، مهم‌ترین علت رواج این انحراف اخلاقی را غلبه نظام مردسالارانه در جامعه می‌داند. اما مورد اخیر صرفاً می‌تواند یکی از دلایل رواج روسپیگری باشد. در این نوشتار به سه علت دیگر نیز اشاره شده است و از این لحاظ این مقاله می‌تواند قابل توجه باشد. در مقاله «بررسی تطبیقی عملکرد شاهان صفویه در مقابله با منکرات»^۷ پژوهشگران به پدیده روسپیگری به‌عنوان یکی از منکرات اشاره کرده‌اند، اما بیشتر به بررسی پدیده شراب‌خواری پرداخته و سیاست شاهان صفوی در مبارزه با این انحراف اخلاقی را پیگیری نکرده‌اند. مقاله «بازتاب تن‌کامگی زنانه در عصر صفوی در نقاشی‌های مکتب اصفهان»^۸ به

۱. زینب حاتم‌زاده، وضعیت زنان در عصر صفوی (تهران: برگ زیتون، ۱۳۸۷).

۲. مریم نجف‌زاده ترک، *زنان تاریخ‌ساز دربار صفوی* (تهران: ناسنگ، ۱۳۹۷).

۳. اصغر منتظراللقائم، زینب شعبانی، «بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه»، کتبیۀ میراث شیعه، س ۱، ش ۲ (آذر ۱۳۹۸)، ص ۵۳-۸۶.

۴. سمیه کریمی، فهیمه مخبر دزفولی، «آموزش زنان در دوره صفویه: زنان بیوات علمای شیعه»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، س ۵۳، ش ۲ (اسفند ۱۳۹۹)، ص ۵۶۱-۵۹۰.

۵. زهت احمدی، «تأملاتی بر نقش زنان در گسترش موقوفات عصر صفوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۱۰۱-۱۰۲ (تیر ۱۳۹۷)، ص ۱۲۳-۱۳۹.

۶. شهاب شهیدانی، مهشید سادات اصلاحی، متین سادات اصلاحی، «تبیین رویکرد جامعه و علل رواج روسپیگری زنان»، پژوهشنامه زنان، س ۱۲، ش ۴ (دی ۱۴۰۰)، ص ۷۵-۱۰۳.

۷. فاطمه رستمی، مهدی قنوتی، «بررسی تطبیقی عملکرد شاهان صفویه در مقابله با منکرات»، جستارهای تاریخی، س ۷، ش ۱ (خرداد ۱۳۹۵)، ص ۱-۱۹.

۸. فاطمه شه‌کلاهی و دیگران، «بازتاب تن‌کامگی زنانه در عصر صفوی در نقاشی‌های مکتب اصفهان»، زن در فرهنگ و هنر، س ۱۳، ش ۳ (مهر ۱۴۰۰)، ص ۳۶۵-۳۸۷.

بازتاب تصویر این دست از زنان در هنر آن دوره پرداخته است. همچنین پایان‌نامه «بررسی گفتمان جنسیت در دوره صفوی با تکیه بر نگاره‌های کاخ‌های چهلستون و عالی‌قاپو اصفهان»^۱ حضور روسپیان را در دیوارنگاره‌های این دوره براساس تحلیل گفتمان فوکو به بحث گذاشته است. در دو کتاب تن‌بارگی در عصر صفویه^۲ و اصفهان عصر صفوی: سبک زندگی و ساختار قدرت^۳ نیز سعی شده است رابطه میان سیاست و روابط جنسی (به تعبیر نویسنده خویشاوندی) در عصر صفوی روشن شود. بنابراین، نویسنده علاوه بر شرح جنبه‌هایی از زندگی غلامان اخته‌شده، به بهره‌گیری از روسپیان در دربار و به خدمت گرفتن آنان در جشن‌هایی که به افتخار مهمانان و سفرای خارجی تدارک دیده می‌شد، اشاره کرده است. مقاله کوتاه «روسیگری و تن‌فروشی در ایران دوره صفوی در سفرنامه شاردن»^۴، با توجه به اهمیت سفرنامه شاردن در بررسی تاریخ مردم ایران در عصر صفوی، به بیان برخی از اطلاعات تاریخی بسنده کرده و چندان نگاه تحلیلی به این موضوع نداشته است.

این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و مبتنی بر جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز کیفی و بر مبنای شرایط تاریخی و اجتماعی عصر صفوی است. با توجه به سؤالات تحقیق، ابتدا شرایط انضمامی روسپیان در دوره صفوی شرح داده شده است. در این بخش غالباً از سفرنامه سیاحان اروپایی استفاده شده است، زیرا نویسندگان ایرانی، عموماً به دلایل شرعی و عرفی، در برابر این پدیده اجتماعی سکوت کرده و گزارش‌چندانی از رفتار و عملکرد عاملان آن در جامعه به دست نداده‌اند. همچنین به دلیل تاریخ‌نویسی مردانه، در منابع رسمی عصر صفوی از زنان صحبت چندانی به میان نیامده است. از این رو، بهترین منبع اطلاعاتی در این زمینه سفرنامه گردشگران خارجی است، گردشگرانی مانند ژان شاردن، دن گارسیا دوسیلوا فیگوروا، پیترو دل‌واله، آدام اولثاریوس، ژان باتیست تاورنیه، انگلبرت کمپفر، جملی کارری و نیکلاس سانسون. در نهایت سعی شده است، با تکیه بر داده‌ها و شواهد تاریخی، سیاست مدیریتی شاه عباس برای کنترل این پدیده در جامعه آن دوره تبیین شود.

چارچوب نظری

در این مطالعه پدیده روسپیگری در اصفهان عصر صفوی در چارچوب «جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری» بررسی می‌گردد. جامعه‌شناسی تاریخی حوزه‌های بینارشته‌ای و آمیزه‌ای از دو علم تاریخ و جامعه‌شناسی

۱. حکیمه طاهر، «بررسی گفتمان جنسیت در دوره صفوی با تکیه بر نگاره‌های کاخ‌های چهلستون و عالی‌قاپو اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳۹۵.

۲. زهره روحی، تن‌بارگی در عصر صفویه (تهران: انسان‌شناسی، ۱۳۹۸).

۳. زهره روحی، اصفهان عصر صفوی: سبک زندگی و ساختار قدرت (تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۷).

۴. علی سخایی، «روسیگری و تن‌فروشی در ایران دوره صفوی در سفرنامه شاردن»، مردم‌نامه (فصلنامه تاریخ مردم)، ش ۲۰-۲۱ (فروردین ۱۴۰۱).

است که عموماً به بررسی رویدادها و پدیده‌های مرتبط به گذشته می‌پردازد و اطلاعات و مدارک لازم در این باره را از اسناد تاریخی اخذ می‌کند. جامعه‌شناسان تاریخی با قرار دادن کنش‌های اجتماعی در بسترهای تاریخی آنها می‌کوشند از خصلت زمانمند زندگی اجتماعی بهره ببرند. بدین ترتیب، تاریخ در تحلیل جامعه‌شناختی جایگاه محوری دارد.^۱

تدا اسکاچپول^۲ در کتاب *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی* به سه نوع جامعه‌شناسی تاریخی اشاره می‌کند: قیاسی، استقرایی و تفسیری. این سه نوع به همراه جامعه‌شناسی تاریخی روایی که صاحب‌نظران دیگر به آن اشاره کرده‌اند، همانند پیوستاری است که در یک سر آن «تاریخ» و در سر دیگر آن «جامعه‌شناسی» قرار دارد. هر یک از انواع جامعه‌شناسی تاریخی ترکیبی از تاریخ و جامعه‌شناسی هستند، اما با توجه به اینکه در چه قسمتی از پیوستار قرار گرفته‌اند، به تاریخ یا جامعه‌شناسی نزدیک‌تر و همانندتر هستند. جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری و روایی بیشترین نزدیکی را به علم تاریخ دارند، و جامعه‌شناسی تاریخی قیاسی و استقرایی بسیار به جامعه‌شناسی شبیه هستند.^۳

۱. جامعه‌شناسی تاریخی قیاسی یا کاربست الگوی عام در تاریخ: در این نوع از مطالعه الگویی عام درخصوص نمونه یا نمونه‌های تاریخی به کار بسته می‌شود؛ یعنی تاریخ براساس نوعی الگوی کلی شرح داده می‌شود، به گونه‌ای که بتوان این چارچوب را درباره رفتار انسان‌ها و پدیده‌های دیگر، و نه صرفاً افراد و پدیده‌های خاص همان تحقیق، به کار برد (اصل تعمیم‌پذیری).^۴ در این نوع دیدگاه، هم‌نظر با مورخان، تبیین یک رویداد براساس یک قاعده عمومی باعث می‌شود ماهیت تاریخی آن رویداد زایل گردد.^۵

۲. جامعه‌شناسی تاریخی استقرایی یا تحلیل نظم‌های علی در تاریخ: به دنبال کشف پیکربندی‌های علی مشخص و مناسب برای تعلیل الگوهای مهم تاریخی است. منطق روش‌شناختی این نوع از مطالعه همانند مورد قبلی است؛ علاوه بر تأکید بر اصل تعمیم‌پذیری، از اینکه برای هر بافت و زمینه خاص معنایی مستقل در نظر گرفته شود، اجتناب می‌شود. اما برخلاف جامعه‌شناسی تاریخی قیاسی به دنبال قوانین جهان‌شمول با بُرد کمتر است.^۶

۱. هادی نوری، «بینش جامعه‌شناسی تاریخی»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، س ۷، ۲ (تیر ۱۳۹۴)، ص ۷۱-۷۲.

2. Theda Skocpol

۳. کاظم سام‌دلیری، «جامعه‌شناسی تاریخی: چگونگی ترکیب جامعه‌شناسی و تاریخ در یک کالبد»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، س ۲۰، ۳ (مرداد ۱۳۹۳)، ص ۱۰۰.

۴. تدا اسکاچپول، «دستورکارهای نوظهور و راهبردهای تکرار شونده در جامعه‌شناسی تاریخی»، *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی* (تهران: مرکز، ۱۳۸۸)، ص ۴۹۹-۵۰۲.

۵. ژولین فروند، *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر (تهران: توتیا)، ص ۶۷.

۶. اسکاچپول، ص ۵۱۵-۵۱۷.

۳. جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری یا کاربرد مفاهیم برای تفسیر تاریخ: در این نوع مطالعه برای شرح و بسط تفسیرهای معنادار و مهم تاریخی از مفاهیم استفاده و سعی می‌شود ویژگی‌های خاص هر زمینه تاریخی برجسته شود. جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری را می‌توان نوعی واکنش انتقادی به الگوهای نظری بسیار کلی (عام) در تاریخ دانست. دو ویژگی مهم این نوع از مطالعه عبارت‌اند از: یک، محققان، به تبعیت از علم تاریخ، توجه خاصی به چیزهای منحصر به فرد (خواه یک رویداد و خواه یک پدیده) دارند و روش تفریدی و ویژه‌گرایی برای آنها مهم است. آنها، برخلاف علم جامعه‌شناسی، پایبند به تعمیم و الگوی نظری نیستند^۱ و توجه دقیق و خاصی به پدیده‌ها، رویدادها و افراد موجود در صحنه‌های تاریخی موضوع مورد مطالعه دارند؛ دو، موضوع انتخابی برای مطالعه تاریخی و انواع بحث و استدلال‌های داده‌شده درباره آن باید از نظر اجتماعی یا فرهنگی یا سیاسی و... در حال حاضر از مسائل مهم باشند. روشی که محققان در این نوع از مطالعه به کار می‌بندند، توصیف روایی است.^۲

چنانکه گفته شد، علاوه بر این سه نوع جامعه‌شناسی تاریخی، برخی از صاحب‌نظران قائل به نوع چهارمی به نام «جامعه‌شناسی تاریخی روایی» هستند. در این نوع از مطالعه، همانند نوع تفسیری، بر یکتایی وقایع و پدیده‌ها تأکید می‌گردد، اما به جای شناخت و فهم وقایع و پدیده‌ها، بر تبیین آنها تمرکز می‌شود. محققان در این زمینه از روش انحصاری مورخان، یعنی روایت، استفاده می‌کنند.^۳

سابقه پدیده روسپیگری تا پیش از دوره شاه عباس اول

در فرهنگ و جامعه ایرانی، همانند هر جامعه دیگری، پدیده روسپیگری همواره وجود داشته است و شاید نتوان هیچ مقطعی از تاریخ ایران را یافت که این پدیده به طور کلی ریشه‌کن شده باشد.^۴ با وجود این، به سبب نظام ارزشی حاکم بر ذهنیت ایرانیان، چه برآمده از مباحث ایدئولوژیکی و چه فرهنگ و عرف، این عمل همواره ناهنجار و غیراخلاقی دانسته شده و قبح اجتماعی داشته است. یاکوب ادوارد پولاک جنگ و آمدوشد با سرزمین‌های آشور و بابل و یونان را عامل گرایش به روسپیگری در ایران می‌داند،

۱. امیل دورکیم یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز جامعه‌شناسی از تاریخ را توجه مورخ به بافت و زمینه می‌داند که به زمینه‌مندی امور اجتماعی معروف است. به باور او، مورخ (برخلاف جامعه‌شناس) جوامع را متشکل از فردیت‌های منحصر به فرد می‌داند. بنگرید به: امیل دورکیم، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳)، ص ۹۳. به عقیده پیتز برک ویژگی تاریخ زمانمندی و مکانمندی آن است و منحصر به فرد بودن موضوعات اجتماعی به دلیل وابستگی آنها به زمینه و بافت تاریخی‌شان است. بنگرید به: پیتز برک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱)، ص ۲۸.

۲. اسکاچپول، ص ۵۰۷-۵۱۰.

۳. سام‌دلیری، ص ۹۹.

۴. محسن برهانی، «سیاست کیفری ایران در قبال روسپیگری»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۲، ش ۴۵ (آذر ۱۳۸۸)، ص ۲۳.

چرا که در زمان زرتشت این عمل از جمله انحرافات اجتماعی بسیار نادر بوده است. پولاک به نقل از هرودوت می‌نویسد که سامیان نه تنها آموزگار یونانیان در روسپیگری بودند، بلکه ایرانیان را نیز با این امر آشنا کردند.^۱ در دوران اسلامی نیز ادیبان و شاعران اخلاق‌گرای ایرانی هر زمان که در اشعار خود به این رفتار اجتماعی اشاره کرده‌اند، آن را به‌صراحت یا به‌طور ضمنی عملی شرم‌آور و البته غیررایج خوانده‌اند.^۲ البته قبیح بودن این پدیده در ذهن و باور ایرانیان سبب شده کمتر در متون رسمی تاریخی که به قلم مورخان ایرانی نگاشته شده است، از این عمل حرفی به میان آید.

براساس منابع عصر صفوی، در دوره شیخ صفی‌الدین روسپی‌خانه در ایران وجود داشت^۳ و با وجود منع فقهی این پدیده، گزارشی مبنی بر انهدام این مراکز در منابع تاریخی یافت نشده است. گفته می‌شود شاه اسماعیل اول (حک ۹۰۷-۹۳۰ ق/ ۱۵۰۱-۱۵۲۴ م) در تبریز (پایتخت) دستور داد سیصد زن را که روسپیگری می‌کردند، به صف درآورند و هر یک را دو نیمه کنند.^۴ در دوره شاه تهماسب اول (حک ۹۳۰-۹۸۴ ق/ ۱۵۲۴-۱۵۷۶ م) با بالا گرفتن دامنه فساد، نمونه‌هایی از روسپیگری در جامعه بروز یافت. شاه تهماسب بعد از توبه‌اش درصدد برآمد تا روسپیگری را از بین و بن براندازد. او در ۹۴۱ ق/ ۱۵۳۳ م طی فرمانی وجود چنین مراکزی را تقبیح نمود و به مبارزه فراگیر و تعطیلی این مراکز امر کرد. همچنین فرمان داد مبالغ مالیات این اعمال به خزانه شاهی ریخته نشود و این وجوه در دفاتر دیوانی-نظارتی دربار ثبت نگردد. در روضه‌الصفویه چنین آمده است: «و در این سال جمیع مناهی توبه‌نصوح فرموده [...] و مبلغی کلی از مال شراب‌خانه و قمارخانه و معجون‌فروشی و بیت‌اللطف (روسپی‌خانه) ممالک محروسه بالکلیه مسدودالابواب گشته از دفاتر خلود خارج گشت.»^۵ از تاریخ سلطانی نیز همین معنا برداشت می‌شود:

در این سال نواب خاقان از جمیع امور منهبیه و محرمان توبه فرمودند [...] تمامی مال شراب‌خانه‌ها و قمار و بیت‌اللطف (روسپی‌خانه) کل ممالک محروسه و آنچه به هر جهت از امور غیرمشروعه مقرر و مستمر بود از دفاتر خلود اخراج فرمودند، به نوعی که تا اواخر دولت نواب خاقان برقرار بود.^۶

۱. یاکوب ادوارد پولاک، «روسپیگری در ایران»، *ایران‌شناسی*، ش ۱۴ (مرداد ۱۳۷۱)، ص ۳۲۸.

۲. مرتضی راوندی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۷ (تهران: نگاه، ۱۳۶۸)، ص ۴۸۵-۴۸۸.

۳. ابن بزاز اردبیلی، *صفوه‌الصفاء*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد (تهران: زریاب، ۱۳۷۶)، ص ۸۰۷.

۴. حسن آزاد، *پشت‌پرده‌های حرمسرا: گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران* (رومیه: انزلی، ۱۳۶۴)، ص ۲۳۰.

۵. میرزا بیگ حسن بن حسینی جنابدی، *روضه‌الصفویه*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد (تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۷۸)، ص ۴۲۱.

۶. سید حسن بن مرتضی حسینی استرآبادی، *تاریخ سلطانی: از شیخ صفی تا شاه صفی*، به اهتمام احسان اشراقی (تهران: علمی، ۱۳۶۶)، ص ۶۲.

در منابع صفوی گزارش خاصی از مقابله شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده با پدیده روسپیگری نیامده است. اما اینکه در دوره شاه عباس اول مجدداً این عمل در جامعه رواج پیدا می‌کند، بیانگر این است که اگر فرمانی هم بوده، چندان کارآمد و مؤثر نبوده است.

پدیده روسپیگری در شهر اصفهان در دوره شاه عباس اول

در دوره شاه عباس اول روسپیگری در جامعه ایران به‌ویژه در اصفهان گسترش یافت. در مورد تعداد این زنان در اصفهان، شاردن از دیگر سیاحان آمار بهتری داده است. او به وجود دوازده هزار روسپی رسمی که نامشان در دفاتر رسمی حکومتی ثبت شده بود و تقریباً همین تعداد که به صورت غیررسمی فعالیت داشتند اشاره می‌کند.^۱ همچنین او در جای دیگری تعداد روسپی‌های رسمی اصفهان را چهارده هزار نفر دانسته است.^۲ اولتاریوس نیز به تعداد زیاد روسپی‌خانه‌ها (بیت‌اللطف) در این دوره اشاره می‌کند، ولی اردبیل را مستثنا می‌داند و می‌گوید به دلیل اینکه این شهر آرامگاه اجداد این خاندان است، از این مراکز در آن خبری نیست.^۳

با تکیه بر اطلاعات سفرنامه سیاحان خارجی که در اصفهان آن دوره حضور داشتند، فواحش در مراکز عمومی شهر آشکارا حضور و سکونت داشتند. آنها در محله‌های عمومی در میان مردم یا به طور خاص در کوی آقاشام‌لو^۴ و کوچه دو برادران^۵، محله‌های کران، بی‌نقابان، پشت مدرسه صدر^۶، سراهای نزدیک مدرسه صفویه، سه کوچه و هفت باب کاروانسرای بزرگ به نام بی‌حجابان یا برهنگان^۷، یا در میدان شاه به‌عنوان عمومی‌ترین محل آن زمان حاضر می‌شدند و همانند دیگر اصناف فعالیت می‌کردند^۸ و اجازه داشتند رف‌های طاق‌دار واقع در طبقه فوقانی میدان شاه را کرایه کنند^۹.

دوسیلوا فیگوئروا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس، در سفرنامه خود بیان می‌کند که در این دوره روسپیان در اصفهان بومی و غیربومی بودند. او از روسپیان بومی سخنی نمی‌گوید، ولی غیربومی‌ها را زنان مازاد نیاز دربار می‌داند که یا از اسیران جنگی و بردگان خریداری شده بودند یا حکام شهرهای مختلف گرجستان آنها را خراج و هدیه داده و به این شهر گسیل کرده بودند. غالب آنها از نژاد گرجی و چرکسی

۱. ژان شاردن، سفرنامه، ترجمه محمد عباسی، ج ۷ (تهران: توس، ۱۳۴۵)، ص ۱۹۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۲۸.

۳. آدم اولتاریوس، سفرنامه، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲ (تهران: هیرمند، ۱۳۷۹)، ص ۵۷۷.

۴. شاردن، ج ۷، ص ۳۰۰.

۵. همان، ص ۲۶۳.

۶. همان، ص ۱۳۶.

۷. همان، ص ۱۹۵؛ ج ۲، ص ۳۳۲.

۸. همان، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۹. انگلبرت کمپفر، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهاننداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۰)، ص ۱۹۳.

و برخی هم از نژاد مسکوی (روسی)، تاتار و لزگی بودند.^۱

دلایل رواج روسپیگری در دوره شاه عباس اول

در منابع صفوی دلیل صریح و موثقی برای رواج روسپیگری در دوره شاه عباس اول بیان نشده است، اما به نظر می‌رسد سه عامل «رشد و توسعه جامعه شهرنشینی و تنوع جمعیتی-فرهنگی در شهر اصفهان»، «افزایش ثروت رجال درباری»، و «مهاجرت اجباری زنان قفقازی به شهر اصفهان» در رواج این پدیده مؤثر بوده است.

۱. رشد و توسعه جامعه شهرنشینی و تنوع جمعیتی-فرهنگی در شهر اصفهان

با انتقال پایتخت صفویان به اصفهان، این شهر در مسیر توسعه قرار گرفت و شاه عباس برای رونق شهرنشینی آن تلاش زیادی کرد. از این رو، اصفهان به‌زودی به یکی از مشهورترین و بزرگ‌ترین شهرهای مشرق‌زمین تبدیل شد. گزارش سیاحان از موقعیت شهری و جمعیت و رونق حیات اجتماعی شهر اصفهان در این زمان نشان از اعتبار و رشد شهریت آن دارد.^۲

شهر، به‌عنوان یک ساختار اجتماعی، می‌تواند بستر برخی از معضلات اجتماعی شود. چنانکه عموماً گسترش روسپیگری با شهرنشینی و تمرکز جمعیت در شهرها مرتبط است.^۳ رشد زندگی شهری به‌رغم اینکه باعث پیشرفت دولت صفوی در زمان شاه عباس شد، موجبات بروز برخی از رفتارهای اجتماعی غیرشرعی و غیرعرفی را در جامعه اصفهان فراهم کرد که یکی از آنها روسپیگری بود، به‌ویژه اینکه گسترش سریع شهرنشینی اصفهان معلول مهاجرت خیل عظیمی از اتباع غیرایرانی با فرهنگ‌های متفاوت بود. در حقیقت شاه عباس با کوچ جمعیت قابل توجهی غیرایرانی به اصفهان، به‌منظور رشد و توسعه شهرنشینی، زمینه تراکم جمعیت به‌عنوان یکی از عناصر سازنده و تقویت‌کننده شهر را فراهم آورد. تصویری که در منابع از اصفهان دوره شاه عباس ترسیم شده، شهری توسعه‌یافته با تراکم جمعیتی زیاد است که حداقل نیمی از آن اتباع غیرایرانی هستند. شاه عباس در ۱۰۰۰ ق/ ۱۵۹۲م تصمیم گرفت گروه بزرگی از اقوام با مذاهب و فرهنگ‌های مختلف را به اصفهان منتقل کند و در ۱۰۰۶ ق/ ۱۵۹۸م این ایده به طور کامل عملی شد.^۴ این مهاجران از اقوام مختلف از جمله هندی‌ها، تاتارهای خوارزم، ختایی‌ها، بخارایی‌ها، ترکان، یهودیان، ارمنه، گرجی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها

۱. دن گارسیا دوسیلوا فیگوتروا، سفرنامه، ترجمه غلامرضا نسیمی (تهران: نو، ۱۳۶۳)، ص ۲۳۳.

۲. کمپفر، ص ۱۸۵؛ دلاواله، ص ۳۵-۳۶؛ فیگوتروا، ص ۲۱۱.

۳. سعید مدنی قهفرخی، جامعه‌شناسی روسپیگری: بررسی آسیب‌های اجتماعی (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۵)، ص ۶۴.

۴. ملا جلال‌الدین محمد منجم‌یزدی، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، به کوشش سیف‌الله وحیدیا (تهران: وحید، ۱۳۶۶)، ص ۱۶۱.

و اسپانیایی‌ها بودند.^۱ این اقدام منجر به گردهمایی فرهنگ‌های مختلف در یک منطقه شد. اولتاریوس در این زمینه می‌نویسد: شاه عباس «نه فقط ساختمان‌های زیاد و باشکوهی در آنجا ساخت، بلکه عده زیادی از مردم شهرهای مختلف را به طرف اصفهان کوچ داد [تا] جمعیت شهر نیز زیاد شود و اینک اصفهان شهر و دنیای جدیدی شده و در حدود پانصد هزار نفر جمعیت دارد.»^۲ اروج‌بیگ این تنوع جمعیتی-فرهنگی را این‌گونه توصیف می‌کند: «اصفهان اینک چنان پرجمعیت است که آن را نصف جهان می‌نامند.»^۳ شاردن نیز می‌نویسد: «به عقیده من اصفهان به قدر لندن که پرجمعیت‌ترین شهر اروپا است، نفوس دارد»^۴ و دلاواله آن را با ناپل مقایسه می‌کند.^۵ به گفته مؤلف جهان‌آرای عباسی «دارالسلطنه اصفهان ملجأ و معاذ جهانیان بوده است.»^۶

در میان اقوام مهاجر، تعداد قفقازیان خاصه گرجی‌ها و چرکسی‌ها از بقیه بیشتر بود. اینان عمدتاً اسیرانی بودند که از منطقه گرجستان و چرکستان به ایران وارد شده بودند. شاه عباس بعد از آنکه طی حملاتی سنگین گرجستان و دیگر مناطق قفقاز را ویران کرد، اسرای زیادی را روانه ایران نمود. تعدادی که صراحتاً در منابع فارسی به آن اشاره شده، بالغ بر ۲۲۵,۰۰۰ نفر است و در منابع گرجی ۲۴۵,۰۰۰ نفر آمده است.^۷ *عالم‌آرای عباسی* تعداد اسرا را در حمله شاه عباس به گرجستان (در سال ۱۰۲۵ق/ ۱۶۱۶م) ۱۵۰,۰۰۰ نفر ذکر کرده است.^۸

۲. افزایش ثروت رجال درباری

در اینجا می‌بایست به افزایش پایگاه اقتصادی رجال درباری در زمان شاه عباس و در ادامه مطرح شدن آنها به عنوان شرکای جنسی روسپیان اشاره کرد؛ متقاضیانی که حرفه روسپیگری را در این دوره پابرجا می‌دارند و شاردن از اضمحلال و انهدام سران لشکر و عموم جوانان درباری که با این زنان در ارتباط بودند صحبت می‌کند.^۹ در دوره شاه عباس ثروت و غنایمی که نتیجه فتوحات دوره نخست صفوی بود، به یکباره به اصفهان سرازیر شد و کم‌کم به جای اینکه در مسیر رفاه عامه خرج شود، صرف حقوق‌ها و

۱. اولتاریوس، ج ۲، ص ۶۱۱

۲. همان، ص ۶۰۴

۳. اروج‌بیگ بیات، *دون ژوان ایرانی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸)، ص ۵۹.

۴. شاردن، ج ۷، ص ۵۱.

۵. دلاواله، ص ۳۵.

۶. میرزا محمدطاهر وحید قزوینی، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، تصحیح سعید سعید میر محمدصادق (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۴۰۲.

۷. سعید مولیانی، *جایگاه گرجی‌ها در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران (اصفهان: یکتا، ۱۳۷۹)*، ص ۲۰۳.

۸. اسکندربیک ترکمان، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به اهتمام ایرج افشار، ج ۲ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷)، ص ۹۰۰.

۹. شاردن، ج ۲، ص ۳۲۹.

مقرری‌ها و مستمری‌ها شد و رجال و لشکریان هر کدام صاحب ثروت‌های بسیار شدند و طبعاً تجمل و تعین و تعیش جای دلبری و پهلوانی را گرفت.^۱ بر اثر غنیمت‌های بسیاری که نصیب سران دولت شد، مقامات و رجال آن کاره شدند و حتی این عادات ناپسند به تدریج به برخی از مردم عادی نیز سرایت کرد.^۲ از طرف دیگر، نرخ روسپیان در ایران عصر صفوی، به خصوص در دوره شاه عباس اول، بسیار گران بود. شاردن این مطلب را چنین بیان می‌کند: «به گمان من در روی زمین کشوری یافت نمی‌شود که در آن زنان این قدر گران به فروش برسند.»^۳ برآورد او از این پیشه منحوس روزانه بیش از پانزده تا بیست پیستول است.^۴ نمونه آن زن روسپی زیبا و معروفی به نام «دوازده تومانی» در اصفهان است.^۵ از این رو، فواحش غالباً مورد توجه جوانان ارتش، نجبا و اشراف‌زادگان بودند و زنان روسپی نیز به خاطر کسب پول بیشتر، به آنان علاقه بیشتری نسبت به سایر مشتریان نشان می‌دادند. به گفته برخی از سیاحان، با وجود اینکه مردان مسلمان از لحاظ شرعی می‌توانستند زنان متعدد (چهار عدد) عقدی و صیغه‌ای داشته باشند، بسیاری از آنها، به خصوص صاحب‌منصبان درباری، به فواحش روی می‌آوردند.^۶

۳. مهاجرت اجباری زنان قفقازی به شهر اصفهان

براساس بسیاری از مطالعات جامعه‌شناسانه، مهاجرت اجباری می‌تواند یکی از دلایل مهم گسترش روسپیگری در یک جامعه باشد.^۷ در این دوره براساس سیاست‌های نظامی و حکومتی شاه عباس تعداد زیادی از زنان قفقازی به اجبار به اصفهان مهاجرت کردند.^۸ در چنین شرایطی زنانی از سر فقر و تهیدستی یا بی‌سروسامانی اجتماعی، و در تلاش برای تأمین نیازهای اولیه خود یا دیگر مواردی که ناشی از جنگ و مهاجرت اجباری باشد، ممکن است به این حرفه (که از قضا سودآور هم هست) روی بیاورند. فیگوتروا در سفرنامه خود به تعداد زیاد روسپیان گرجی در اصفهان اشاره می‌کند که از مناطق شمالی گرجستان آمده بودند.^۹

قابل ذکر است که اساساً نگرش قفقازیان در مورد پدیده روسپیگری با ایرانیان متفاوت بود. با تکیه بر

۱. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی* (تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۷۸)، ص ۲۲۶.

۲. آزاد، ص ۲۳۵.

۳. شاردن، ج ۲، ص ۳۲۸.

۴. همان.

۵. همان، ج ۷، ص ۱۸۸.

۶. آزاد، ص ۲۶۹.

۷. علی ربایی خوراسگانی، فرزانه قانع عزآبادی، «بررسی تجارب زیسته زنان روسپی»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، س ۴، ش ۲ (آبان ۱۳۹۴)، ص ۴۹-۶۸.

۸. نصرالله پورمحمدی املشی، باقرعلی عادلرف و سمیه انصاری، «نقش زنان قفقازی در مناسبات و تحولات سیاسی-اجتماعی دربار صفویه»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، س ۹، ش ۱ (فروردین ۱۳۹۵)، ص ۴۳-۶۳.

۹. فیگوتروا، ص ۲۳۳.

گفته‌های شاردن، روسپیگری در جامعه قفقاز، به‌ویژه گرجستان و ایالت‌های مینگرلی^۱ و ایمرتیا^۲، بسیار رواج داشت و مردم آن منطقه از انجام دادن این کار شرمی نداشتند.^۳ همچنین راوندی، براساس سفرنامه مارکوپولو، از رواج گسترده این پدیده در میان اقوام تاتار (در حوالی قفقاز شمالی) گزارش می‌دهد.^۴ در نهایت می‌توان احتمال داد که فقر و تنگدستی و عدم حساسیت فرهنگی اقوام تازه‌وارد به پدیده روسپیگری منجر به روی آوردن بسیاری از آنها به این حرفه شده باشد.

دیگر آنکه احتمال داده می‌شود گروهی از این زنان قفقازی که در حرفه روسپیگری فعالیت می‌کردند، زنان مطلقه یا رانده‌شده از حرمسرای شاهی بودند؛ زنانی که به سبب کم‌شدن زیبایی‌شان در نظر شاه یا برخی از عوامل سیاسی مجبور بودند حرمسرا را ترک کنند. منابع صفوی غالب زنان حرمسرای شاه عباس را گرجی و چرکسی و زیبایی بی‌مانند آنها را مهم‌ترین عامل در انتخاب و جذبشان می‌دانند. کارری در سفرنامه‌اش اکثر زنان حرمسرای اصفهان را از زیبارویان گرجی و چرکسی می‌شمرد.^۵ تاورنیه نیز اشاره می‌کند زنان گرجی لطف و زیبایی خاصی دارند که در هیچ کشور دیگری دیده نمی‌شود؛ شاید شاه حق دارد که زنان گرجی را از دیگران عزیزتر بشمارد، زیرا بی‌شک زیباترین موجودات آسیا هستند و زنان سیه‌چرده ایرانی به پای آنها نمی‌رسند.^۶

با وجود این، دلاواله به نکته مهمی در مورد زنان حرمسرا اشاره می‌کند که زنان سوگلی و محترم گرجی و چرکسی هم از آن مستثنا نبودند. به گفته او، با وجود سیل دختران و زنان زیباروی که از هر جانب به حرمسرای شاه عباس سرازیر بود، بدون تردید طولی نمی‌کشید که اندرون دربار شاه با تورم جنس لطیف روبه‌رو می‌شد و می‌بایست تعدادی از زنان قدیم جای خود را به زنان جوان‌تر و بهتر و شاداب‌تر می‌دادند. به همین دلیل هر زمان که تعداد زنان حرم زیاد می‌شد، یا دوران جوانی و طراوتشان به پایان می‌رسید، شاه جمعی از ایشان را طلاق می‌داد.^۷

علاوه بر عامل زیبایی، تداوم مناسبات سیاسی-اجتماعی شاه عباس با والیان گرجستان نیز یکی دیگر از عوامل مهاجرت اجباری و حضور زنان گرجی در حرمسرای اصفهان بود. در حقیقت شاه از هر فرصتی استفاده می‌کرد تا با وصلت با قفقازیان بر موقعیت و نفوذ خود در آن سرزمین بیفزاید و از قدرت نظامی

1. Mingreli
2. Imerethie

۳. شاردن، ج ۲، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۴. راوندی، ج ۷، ص ۴۸۴.

۵. جملی کارری، سفرنامه، ترجمه عباسعلی نخجوانی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۱۴۹.

۶. ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه، ترجمه حمید شیروانی (تهران: نیلوفر، ۱۳۸۳)، ص ۱۷۵.

۷. دلاواله، ص ۲۶۸.

و سیاسی خانواده آنها به نفع خود سود ببرد.^۱ اما همین عامل در صورت نافرمانی حاکمان و والیان گرجستان می توانست به ضرر زنان این نژاد در دربار ایران تمام شود و سرنوشت آنها را تغییر دهد. مثلاً شاه عباس پس از یاغی شدن تهمورث خان، امیر کاختی (از ایالات گرجستان)، خواهر او مارتا را طلاق داد یا تیناتین (لیلی خانم)، خواهر لوارساب خان امیر کارتلی، را طلاق داد. این در حالی بود که شاه عباس قبلاً برای تصاحب این زنان زیبارو با همسر یا برادر آنان به جنگ و ستیز درآمده بود. اما بدین سادگی آنها را رها کرد.^۲

سیاست شاه عباس اول در مدیریت روسپیگری در شهر اصفهان

شاه عباس، برخلاف جدش شاه تهماسب، به جای منع شرعی و قانونی روسپیگری، به گونه دیگری با این ناهنجاری اجتماعی مقابله کرد. فارغ از قضاوت در مورد درستی یا نادرستی عملکرد شاه عباس، سیاست او در مدیریت روسپیگری در دو بحث «اخذ مالیات» و «طرح آتش و آتش بازی» قابل پیگیری است. براساس منابع عصر صفوی، به موجب ایده های اقتصادی شاه عباس، سالانه از خرده فرهنگ های انحرافی مثل روسپیان پولی (مالیات) اخذ می شد. سپس به منظور تطهیر کردن این اموال، طرح آتش و آتش بازی در ساختار دیوانی قرار می گرفت و سالانه به اجرا درمی آمد.

۱. اخذ مالیات از خرده فرهنگ های انحرافی

در یک بررسی تحلیلی می توان گفت سیاست شاه عباس در مواجهه با روسپیگری همسو با اهداف اقتصادی او بود. به طور کلی، شاه عباس برای نظارت بر خرده فرهنگ ها در سطح جامعه از رویکردهای اقتصادی خاصی بهره می برد. مثلاً او با اخذ عوارض از اقلیت های دینی یا خرده فرهنگ های مذهبی حق باقی ماندن بر دین خود را به آنها می داد. ارمنی ها و قفقازی ها با پرداخت جزیه^۳ به دولت مجاز بودند هر چقدر مایل اند کلیسا بسازند و شاه عباس نیز در مجبور ساختن آنها برای تغییر دینشان اقدامی نمی کرد.^۴ مینورسکی خراج و جزیه مسیحیان را «معادل یک مدیکال^۵ طلا»، اولتاریوس برابر با ۲ رایشتالر^۶ و تونو^۷ آن را برابر با ۵۰۰ تومان می داند. از مفاد یک فرمان از مجموعه فرامین سلطنتی (موزه بریتانیا، Or.۴۹۳۵) چنین برمی آید که ارامنه جلفا تقریباً ۵۸۰ تومان به عنوان «وجه جزیه مقطعی و رسم الوزارت

۱. پورمحمدی امشلی، عادلر و انصاری، ص ۴۳-۶۳.

۲. آزاد، ص ۲۵۸.

۳. توبه، آیه ۲۹.

۴. دلاواله، ص ۱۷۰-۱۷۴.

۵. همان مقال برابر با ۴۶۹ گرم.

۶. اولتاریوس وزن یک رایشتالر را برابر با ۴ عباسی می داند.

و رسوم داروغگی» می‌پرداختند.^۱

روسپیگری را در جامعه اصفهان عصر صفوی می‌توان یک خرده‌فرهنگ دانست. خرده‌فرهنگ‌ها به انواع مذهبی، قومی و مانند آن محدود نمی‌شود، بلکه انواعی از خرده‌فرهنگ‌ها پیرامون گروه‌هایی نظیر منحرفین جنسی و روسپیان نیز شکل می‌گیرد که «خرده‌فرهنگ انحرافی یا معارض» نامیده می‌شود. خرده‌فرهنگ انحرافی برخلاف سایر خرده‌فرهنگ‌ها کمترین پذیرش اجتماعی را در جامعه دارد و مظاهر آن در قالب منکرات و مفساد اجتماعی بروز می‌یابد. اعضای این قبیل گروه‌ها از جهاتی مانند رفتارها، باورداشت‌ها و هنجارها با فرهنگ عمومی و مسلط بر جامعه تفاوت دارند و از این جهت است که جامعه‌شناسان آنها را خرده‌فرهنگ‌های انحرافی می‌نامند.^۲

در عصر صفوی، روسپیان دارای ارزش‌ها و هنجارهایی متفاوت با هنجارها و ارزش‌های اکثریت جامعه و به لحاظ ظاهر نیز از افراد دیگر متمایز بودند. فیگوروا می‌نویسد:

روسپیان را به‌آسانی می‌توان از زنان دیگر تشخیص داد، زیرا با لباس بهتر در انظار ظاهر می‌شوند، خدمه بیشتر دارند و چون معمولاً سوار بر اسب حرکت می‌کنند، پیش از دیگران به مجلس (در توصیف یک مجلس سوگواری) می‌آیند، چنانکه در مدت ادامه این تشریفات با اینکه همه زنان عزادار چادر سیاه و برخی زرد یا قهوه‌ای رنگ بر سر داشتند، اینان به سبک خودشان لباسی تمام‌ابریشم بر تن و چادرهایی از پارچه‌های لطیف زردوزی شده بر سر داشتند و بیشترشان با صورت باز نشسته بودند.^۳

شاردن نیز به چادرهای کوتاه‌تر از حد معمول و کمتر بسته‌شده این زنان اشاره می‌کند.^۴ «این دسته از زنان برخلاف زنان رجال و بزرگان کشور که هیچ‌گاه از خانه بیرون نمی‌آیند، در کوی و برزن بسیار دیده می‌شوند.»^۵ همچنین جان کارت رایت^۶ در سفرنامه‌اش تصدیق می‌کند که «این قبیل زنان معمولاً روی خود را در نقاب مستور نمی‌داشتند»^۷ و به طور کلی «زود شناخته می‌شوند و از حرکات و اطوار و شیوه نگاهشان می‌توان به‌آسانی به کارشان پی برد.»^۸

۱. ولادیمیر مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی یا تحقیقات و حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ص ۲۲۳.

۲. نودرامین صارمی، «خرده فرهنگ و جرم: بررسی خرده‌فرهنگ‌های دستگیرشدگان منکراتی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷، ص ۶۲.

۳. فیگوروا، ص ۳۰۸.

۴. شاردن، ج ۲، ص ۳۲۷.

۵. راوندی، ج ۷، ص ۴۹۲.

6. John cartwright

۷. همان، ص ۴۹۰.

۸. همان، ص ۴۹۰-۴۹۱.

با توجه به اینکه روسپیگری یک خرده فرهنگ-از نوع انحرافی و معارض-در جامعه اصفهان عصر صفوی تلقی می‌شد، از عاملان آن بابت حضور در جامعه و فعالیتشان مالیات اخذ می‌شد. مینورسکی به نقل از کمپفر بیان می‌کند که «تنها مالیاتی که در برابر پانزده هزار روسپی می‌پرداختند، معادل با شش هزار تومان بود.»^۱ شاردن اشاره می‌کند که روسپیان رسمی (معلوم الحال که نامشان در دفاتر رسمی ثبت بود) هشت هزار تومان، معادل تقریباً سیصد و شصت هزار لیور^۲، مالیات پرداخت می‌کردند و غیررسمی‌ها مالیات بیشتری می‌دادند.^۳ همچنین برآورد او از پرداخت سالانه این زنان به دربار حدود دویست هزار اکو^۴ (پول فرانسه در آن زمان) است.^۵ در سفرنامه ونیزیان چنین آمده است که «زنان روسپی [...] به نسبت زیبایی خود مالیات می‌پردازند؛ هر قدر زیباتر باشند، باید بیشتر مالیات بدهند.»^۶ طبق گفته شاردن، مسئولیت نظارت عمومی و اخذ مالیات از همه اماکن فساد و عاملان فسق و فجور از جمله روسپی‌خانه‌ها (بیت‌اللطفا) در شهر اصفهان به عهده «مشعل‌دارباشی» بود. به همین سبب معمولاً اطرافیان مشعل‌دارباشی از این گروه از زنان به شدت اخذی می‌کردند.^۷

۲. طرح آتش و آتش‌بازی در ساختار دیوانی

دومین طرح ابتکاری شاه عباس برای مدیریت روسپیگری صرف پول حاصل از درآمد روسپی‌خانه‌ها در مراسم چراغانی و آتش‌بازی بود. بدون تردید اداره کشوری وسیع و تازه استقلال یافته به خصوص شهر پرجمعیتی مانند اصفهان که اقوامی با فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف به سرعت، و حتی گروهی به اجبار، در آن گرد هم حاضر شده بودند، تنها با تصمیمات دقیق و در سایه قدرت بالامنابع سیاسی، مذهبی و اجتماعی شاه امکان‌پذیر بود. سانسون می‌گوید:

شاه عباس که کراهت از گردآوری پول مربوط به امور فسق داشت، دستور داد تا به منظور تطهیر، آن وجوه را صرف امری کنند که آن کار با آتش سروکار داشته باشد. یعنی آن عایدات مصروف خرید وسایل روشنایی و مشعل و آتش‌بازی شود که در حضور شاه افروخته می‌گردید. باری مشعل‌دارباشی مأموریت از شخص شاه داشت.^۸

۱. مینورسکی، ص ۱۲۲.

2. Livre

۳. شاردن، ج ۷، ص ۱۹۵.

4. Eco

۵. همان، ج ۲، ص ۳۲۸.

۶. راوندی، ج ۷، ص ۴۸۴.

۷. مینورسکی، ص ۱۳۳.

۸. همان، ص ۱۳۳.

شاه عباس خود شخصاً چراغانی و آتش‌بازی را دوست داشت و هر زمان از سفر باز می‌گشت، دستور می‌داد کوی‌ها، بازارها و میدان‌ها را چراغان کنند و این‌گونه چراغانی‌ها غالباً چند شب دوام می‌یافت.^۱ مراسم چراغانی و آتش‌بازی در زمان شاه عباس به سرعت به آن دسته از تفریحاتی تبدیل شد که فقط خود شاه متولی برگزاری آن بود و در مکان عمومی شهر برگزار می‌شد.

طرح ابتکاری آتش و آتش‌بازی در ساختار دیوانی شاه عباس با شرع اسلام و پیشینه دینی ایرانیان سختی نداشت. شاید بتوان عمل شاه عباس را نوعی سوءاستفاده از ذهنیت دینی ایرانیان از خاصیت تطهیرکنندگی آتش در نظر گرفت. در باور دینی ایرانیان، حتی در دورانی پیش از زرتشت، آتش مقدس‌ترین و پاک‌ترین عنصر جهان بود که هر نوع پلیدی و آلودگی را از بین می‌برد. اما باز هم چندان نمی‌توان حکم شاه عباس را همسو با پیشینه دینی ایرانیان دانست. در دین زرتشت روسپیگری از مکررترین گناهان محسوب شده و عقوبت دردناک آن در فصل‌های ۲۴، ۶۲ و ۷۲/۱ ارداویراف‌نامه آمده است. براساس فرگرد ۸۱، روان زنان روسپی در دوزخ زبان بریده و چشم‌کنده است و خرفستران (حیوانات موزی) سر آنها را می‌خورند و تشنان را می‌چونند.^۲ همچنین کیفر او در این دنیا «مرگزبان» (اعدام) است.^۳ از طرف دیگر، دین زرتشت برای نگه داشتن حرمت آتش آداب مخصوصی داشت که در آن شخص آلوده به بی‌اخلاقی‌های جنسی می‌بایست از آن دور باشد. کسی که حرمت آتش را نگه ندارد در برزخ روانش نگون‌سار آویخته می‌شود و خرفستران آن را پاره‌پاره می‌کنند.^۴

مسامحه و اغماض مذهبی شاه عباس در قبال پدیده روسپیگری

با وجود نص صریح قرآن در مورد روسپیگری و مخالفت اسلام با آن، شاه عباس در قبال این عمل مسامحه کرد و منع مطلقی برای آن قرار نداد. همچنین، چنانکه پیشتر آمد، او نسبت به این رفتار دیدگاهی اقتصادی و شخصی داشت، نه دینی و اسلامی. احتمالاً آنچه سبب می‌شد شاه عباس در برابر رفتاری غیرشرعی مانند روسپیگری مسامحه کند و در مواجهه با آن دیدگاهی شخصی یا سودجویانه اعمال کند، به اصلاحات او در نهاد دولت مربوط می‌شد.

شاه عباس سعی داشت برخلاف جدش، شاه تهماسب، «قدرت مرکزی» ایجاد نماید و قدرت را در هر بُعدی (سیاسی، نظامی، مذهبی، اجتماعی و...) تحت اختیار خود درآورد. در دوره شاه تهماسب دیدگاه «آزادی اندیشه‌ورزی روحانیون» شکل گرفت و به تدریج نفوذ علما در دربار بیشتر شد. این نفوذ تا حدی

۱. آزاد، ص ۲۶۵.

۲. رضی، ج ۲، ص ۷۶۶.

۳. جلالی و زنگی‌آبادی، ص ۴۱.

۴. رضی، ج ۲، ص ۷۶۶.

بود که گفته می‌شود خرده‌گیری علمای دینی، خاصه محقق کرکی، از شخص شاه تهماسب بزرگ‌ترین عامل تغییر رویه و توبه او بود. اسکندر بیک منشی نیز به این تأثیر اشاره کرده است.^۱ در واقع شاه تهماسب نظریه فقهی-سیاسی علما و روحانیون را پذیرفت.^۲ چنانکه براساس فرمان ۹۳۹ق/۱۵۳۳م به این گروه (به رهبری محقق کرکی) اختیارات وسیعی تا حد عزل و نصب امرا و ارکان دولت را داد: مقرر فرمودیم که سادات عظام و اکابر و اشراف فخام و امرا و وزرا و [...] آنچه او (محقق کرکی) نهی نماید بدان منتهی کرده، هر کس را از متصدیان امور شرعیه ممالک محروسه و عساکره منصوره عزل نماید معزول و هر کسی را نصب نماید، منصوب دانست و در عزل و نصب مزبورین سند دیگری محتاج ندانند.^۳

سیاست مذهبی شاه اسماعیل دوم کاملاً با پدرش تفاوت داشت. او در یک سال و چند ماهی که حکومت کرد، کوشید علما را از ساختار سیاسی طرد کند و نفوذ و اقتدار روحانیان را کاهش دهد.^۴ در دوره شاه عباس نیز، به‌واسطه اصلاحات در نهاد دولت، نفوذ روحانیون در دربار بسیار کاهش یافت و اموری که پیشتر به دست علمای مذهبی اداره می‌شد، خود شاه شخصاً به عهده گرفت. برای نخستین بار تولیت امور شرعی به شاه واگذار شد، نهادهای مذهبی تابع نهادهای سیاسی شدند، از قدرت اجرایی صدر^۵ کاسته شد و در نهایت شاه عباس قدرت اجرایی و رتبه معنوی صدر را به خود اختصاص داد.^۶

در این زمان شاه نه تنها رهبری دنیوی مردم را بر عهده داشت، بلکه بر نهاد دین نیز نظارت داشت و قدرت او مافوق همه قدرتها در هر دو حوزه دینی و دنیوی به حساب می‌آمد. اسکندربیک منشی شاه عباس را «ناظم امور دین و دولت و باسط بساط ملک ملت» می‌داند.^۷ در واقع اقتدار سیاسی شاه قدرت مذهبی فقها و روحانیون را تحت‌الشعاع قرار داد و مخالفت با اقدامات شاه از هیچ ناحیه‌ای (حتی از سمت فقها) پذیرفتنی نبود. نهایت امر اینکه در این دوره به‌رغم وجود علمای طراز اول و مهمی مانند شیخ بهایی و میرداماد، قدرت شاه مجالی برای قدرت‌نمایی آنها باقی نگذاشت. از این رو، آنها بیشتر به فعالیت‌های علمی و مذهبی روی آوردند و امکان ورود به صحنه سیاسی و نظارت بر فرامین شاهی و

۱. ترکمان، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲. محمدحسین رجبی، «آراء فقیهان عصر صفوی درباره تعامل با حکومت‌ها»، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۵، ش ۹ (شهریور ۱۳۸۸)، ص ۵۸.

۳. عبدالحسین خاتون آبادی، وقایع السنین والاعوام، تصحیح محمدباقر بهبودی (تهران: اسلامیه، ۱۳۵۲)، ص ۴۶۱.

۴. قباد منصوربخت، محمد طاهری مقدم، «جایگاه علما در دستگاه قدرت دوره صفویه (دوران شاه عباس اول، شاه صفی و شاه عباس دوم)»، تاریخ ایران، س ۵، ش ۶۴ (خرداد ۱۳۸۹)، ص ۱۲۵.

۵. مقام «صدر» بالاترین مقام مذهبی در دوره صفوی بود که وظیفه نظارت بر فرامین شاهی و همه مقام‌های مذهبی را به عهده داشت.

۶. مریم زارعیان، «مناسبات روحانیان با دولت در عصر صفوی»، جامعه‌شناسی تاریخی، س ۴، ش ۲ (دی ۱۳۹۱)، ص ۱۰۶.

۷. ترکمان، ج ۲، ص ۵۳۲.

کسب قدرت را نیافتند.^۱

علاوه بر موارد فوق، می‌بایست به این نکته نیز توجه شود که هرچند در دوره صفوی جامعه شیعی از تقیه خارج شد، به نظر می‌رسد که فقه شیعه حداقل در برخی از موارد دچار محدودیت گردید. نظام سیاسی عصر صفوی با همه فرصتی که برای حضور فقیهان ایجاد کرد، کماکان حکومتی «شاه‌محور» بود، نه «فقیه‌محور». به عبارت دیگر، در این دوره فقه شیعه از آن جهت که به مردم و جامعه (رعایا) مربوط می‌شد، آزاد بود و از آن جهت که به حاکم جامعه اسلامی مربوط می‌شد، ناگزیر باید ملاحظاتی را رعایت می‌کرد.^۲ در این دوره، به خصوص در حکومت تمرکزگرایانه شاه عباس که شاه (به معنای واقعی کلمه) در رأس قدرت سیاسی و مذهبی قرار داشت، فقه در حوزه نظارت بر خود حاکم گرفتار تقیه و محدودیت‌هایی بود.

نتیجه‌گیری

به‌رغم اینکه در فرهنگ و جامعه ایرانی روسپیگری رفتاری مذموم و ناهنجار شناخته می‌شود، در زمان شاه عباس این پدیده در جامعه گسترش یافت، به تعداد روسپی‌خانه‌ها افزوده شد و به نوعی قبح این رفتار اجتماعی از بین رفت. فواحش در اصفهان در قلمرو عمومی حضوری آشکار داشتند. همچنین برخی از آنان از افراد بومی و برخی از اتباع غیربومی بودند. روسپیان غیربومی غالباً زنان مازاد نیاز دربار و از نژاد قفقازی (گرجی و چرکسی) بودند که یا از اسیران جنگی و بردگان خریداری شده بودند یا حکام شهرهای مختلف گرجستان به‌عنوان خراج و هدیه به اصفهان فرستاده بودند.

از جمله دلایل رواج پدیده روسپیگری در دوره شاه عباس می‌توان به سه عامل «رشد و توسعه جامعه شهرنشینی و تنوع جمعیتی-فرهنگی در اصفهان»، «افزایش ثروت رجال درباری»، و «مهاجرت اجباری زنان قفقازی به شهر اصفهان» اشاره کرد. اما سیاست مدیریتی شاه عباس در قبال روسپیگری را می‌بایست در دو مؤلفه بیان کرد: یکی اخذ مالیات از خرده‌فرهنگ‌های انحرافی از جمله روسپیان که «مشعل‌دارباشی» مسئولیت نظارت بر آنها و اخذ مالیات از آنها را بر عهده داشت. دوم، اجرای طرح ابتکاری آتش و آتش‌بازی در ساختار دیوانی از درآمد حاصل از روسپی‌خانه‌ها. در واقع طرح آتش و آتش‌بازی در جهت مدیریت شهری و در سایه قدرت بلامنازع سیاسی، مذهبی و اجتماعی شاه قابل اجرا بود. هرچند با پیشینه دینی ایرانیان و شرع اسلام سختی نداشت.

قابل ذکر است که تسامح مذهبی شاه عباس در مورد روسپیگری بیشتر به اصلاحات او در نهاد دولت

۱. منصوریتخت و طاهری مقدم، ص ۱۴۳.

۲. ابوالقاسم علیدوست، احمد رهدار، «مناسبات فقه و سیاست در مکتب اصفهان»، راهبرد فرهنگ، س ۹، ش ۳۶ (اسفند ۱۳۹۵)، ص ۱۰۶.

مربوط بود. زیرا در دولت تمرکزگرایانه شاه عباس، برخلاف ادوار قبل، قدرت در هر بُعدی تحت اختیار شاه بود و این موضوع قدرت مذهبی روحانیون را تحت الشعاع قرار داده بود. در واقع برای شاه عباس مخالفت از هیچ ناحیه‌ای پذیرفتنی نبود. بدین ترتیب، در دوره صفوی، اگرچه جامعه شیعی از تقیه خارج شد، به دلیل وجود نظام شاه‌محور، به‌خصوص در حکومت شاه عباس، فقه حداقل در حوزه نظارت بر شخص شاه دچار محدودیت‌هایی بود.

کتابنامه

- ابن بزاز اردبیلی. صفوه الصفا، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زریاب، ۱۳۷۶.
- احمدی، نرگس. «تأملاتی بر نقش زنان در گسترش موقوفات عصر صفوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۱۰۱-۱۰۲، ۱۳۹۷، ص ۱۲۳-۱۳۹.
- اسکاجپول، تدا، «دستور کارهای نوظهور و راهبردهای تکرار شونده در جامعه‌شناسی تاریخی»، بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، تهران: مرکز، ۱۳۸۸.
- اولثاریوس، آدام. سفرنامه، ترجمه حسین کردبچه، تهران: هیرمند، ۱۳۷۹.
- آزاد، حسن. پشت‌پرده‌های حرمسرا: گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران، ارومیه: انزلی، ۱۳۶۴.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۷۸.
- برک، پیتر. تاریخ و نظریه اجتماعی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- برهانی، محسن. «سیاست کیفری ایران در قبال روسپیگری»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۲، ش ۴۵، ۱۳۸۸، ص ۴۲-۷.
- بیات، اروج‌بیگ. دون ژوان ایرانی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸.
- پورمحمدی املشی، نصرالله، باقرعلی عادلر و سمیه انصاری. «نقش زنان قفقازی در مناسبات و تحولات سیاسی-اجتماعی دربار صفویه»، مطالعات اوراسیای مرکزی، س ۹، ش ۱، ۱۳۹۵، ص ۴۳-۶۳.
- پولاک، یاکوب ادوارد. «روسپیگری در ایران»، ترجمه تورج اتاپکی، ایران‌شناسی، ش ۱۴، ۱۳۷۱، ص ۳۲۷-۳۳۱.
- تاورنیه، ژان باتیست. سفرنامه، ترجمه حمید شیرانی، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۳.
- ترکمان، اسکندربیک. تاریخ عالم‌آرای عباسی، به اهتمام ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- جلالی، ایرج، نرگس زنگی‌آبادی. «بررسی مجازات‌های کیفری زنان ایران باستان از هخامنشیان تا پایان ساسانیان»، مسکویه، س ۸، ش ۲۵، ۱۳۹۲، ص ۳۱-۵۴.
- جنابدی، میرزا بیگ حسن بن حسینی. روضه الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۷۸.
- حاتم‌زاده، زینب. وضعیت زنان در عصر صفوی، تهران: برگ زیتون، ۱۳۸۷.
- حجازی، بنفشه. ضعیفه: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی، تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۱.
- حسینی استرآبادی، سید حسن بن مرتضی. تاریخ سلطانی: از شیخ صفی تا شاه صفی، اهتمام احسان اشراقی، تهران:

علمی، ۱۳۶۶.

- خاتون آبادی، عبدالحسین. وقایع السنین و الاعوام، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: اسلامیة، ۱۳۵۲.
- دلاواله، پیتر. سفرنامه، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- دورکیم، امیل. قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- راوندی، مرتضی. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۷، تهران: نگاه، ۱۳۶۸.
- ربابی خوراسگانی، علی و فرزانه قانع عزآبادی. «بررسی تجارب زیسته زنان روسپی»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، س ۴، ش ۲، ۱۳۹۴، ص ۴۹-۶۸.
- رجبی، محمدحسین. «آراء فقیهان عصر صفوی درباره تعامل با حکومت‌ها»، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۵، ش ۹، ۱۳۸۸، ص ۵۳-۸۰.
- رستمی، فاطمه و مهدی قنوتی. «بررسی تطبیقی عملکرد شاهان صفویه در مقابله با منکرات»، جستارهای تاریخی، س ۷، ش ۱، ۱۳۹۵، ص ۱-۱۹.
- رضی، هاشم. دین قدیم ایرانی، تهران: نی، ۱۳۷۶.
- روحی، زهره. اصفهان عصر صفوی: سبک زندگی و ساختار قدرت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۷.
- _____ . تن‌بارگی در عصر صفویه، تهران: انسان‌شناسی، ۱۳۹۸.
- زارعیان، مریم. «مناسبات روحانیان با دولت در عصر صفوی»، جامعه‌شناسی تاریخی، س ۴، ش ۲، ۱۳۹۱، ص ۸۷-۱۱۶.
- سام‌دلیری، کاظم. «جامعه‌شناسی تاریخی: چگونگی ترکیب جامعه‌شناسی و تاریخ در یک کالبد»، روش‌شناسی علوم انسانی، س ۲۰، ش ۷۹، ۱۳۹۳، ص ۷۹-۱۰۹.
- سیوری، راجر. ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، ۱۳۶۶.
- سختایی، علی. «روسپیگری و تن‌فروشی در ایران دوره صفوی در سفرنامه شاردن»، مردم‌نامه (فصلنامه تاریخ مردم)، ش ۲۰-۲۱، ۱۴۰۱.
- شاردن، ژان. سفرنامه، ترجمه محمد عباسی، ج ۱، ۲، ۴ و ۷، تهران: توس، ۱۳۴۵.
- شه کلاهی، فاطمه و دیگران. «بازتاب تن‌کامگی زنانه در عصر صفوی در نقاشی‌های مکتب اصفهان»، زن در فرهنگ و هنر، س ۱۳، ش ۳، ۱۴۰۰، ص ۳۶۵-۳۸۷.
- شهیدانی، شهاب، مهشید سادات اصلاحی و متین سادات اصلاحی. «تبیین رویکرد جامعه و علل رواج روسپیگری زنان»، پژوهشنامه زنان، س ۱۲، ش ۴، ۱۴۰۰، ص ۷۵-۱۰۳.
- صارمی، نوذرامین. «خرده‌فرهنگ و جرم: بررسی خرده‌فرهنگ‌های دستگیرشدگان منکراتی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
- طاهر، حکیمه. «بررسی گفتمان جنسیت در دوره صفوی با تکیه بر نگاره‌های کاخ‌های چهلستون و عالی‌قاپو اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳۹۵.
- علیدوست، ابوالقاسم و احمد رهدار. «مناسبات فقه و سیاست در مکتب اصفهان»، راهبرد فرهنگ، س ۹، ش ۳۶،

۱۳۹۵، ص ۸۷-۱۱۲.

- غفاری فرد، عباسقلی. زن در تاریخ‌نگاری صفویه، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۸.
- فروند، ژولین. جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا، ۱۳۸۸.
- فیگوئروا، دن گارسیا دوسیلوا. سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نو، ۱۳۶۳.
- کارری، جملی. سفرنامه، ترجمه عباسعلی نخجوانی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- کرمی، سمیه و فهیمه مخبر دزفولی. «آموزش زنان در دوره صفویه: زنان بیوتات علمای شیعه»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، س ۵۳، ش ۲، ۱۳۹۹، ص ۵۶۱-۵۹۰.
- کمپفر، انگلبرت. سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۰.
- مدنی قهفرخی، سعید. جامعه‌شناسی روسپیگری: بررسی آسیب‌های اجتماعی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۵.
- منتظرالقائم، اصغر و زینب شعبانی. «بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه»، کتیبه میراث شیعه، س ۱، ش ۲، ۱۳۹۸، ص ۵۳-۸۶.
- منجم‌یزدی، ملا جلال‌الدین محمد. تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید، ۱۳۶۶.
- منصوربخت، قباد و محمد طاهری مقدم، «جایگاه علما در دستگاه قدرت دوره صفویه (دوران شاه عباس اول، شاه صفی و شاه عباس دوم)»، تاریخ ایران، س ۵، ش ۶۴، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳-۱۴۴.
- مولیانی، سعید. جایگاه گرجی‌ها در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران، اصفهان: یکتا، ۱۳۷۹.
- مینورسکی، ولادیمیر. سازمان اداری حکومت صفوی یا تحقیقات و حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا، با حواشی و فهرس و مقدمه و امعان نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- نجف‌زاده ترک، مریم. زنان تاریخ‌ساز دربار صفوی، تهران: ناسنگ، ۱۳۹۷.
- نوری، هادی. «بینش جامعه‌شناسی تاریخی»، جامعه‌شناسی تاریخی، س ۷، ش ۲، ۱۳۹۴، ص ۵۹-۹۰.
- نوری مجیری، مهرداد. زن در عصر صفوی، تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۸.
- وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر. تاریخ جهان‌آرای عباسی، تصحیح سید سعید میر محمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.